

فرخنده باد پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران،

پنجاه سال مبارزه در راه آزادی، دمکراسی، صلح و عدالت اجتماعی



شماره ۳۵۹، دوره هشتم،
سال هشتم، ۹ مهر ۱۳۷۰

به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس
حزب توده ایران

مبارزه ادامه دارد

مهرماه سالروز تولد حزب توده ایران است. امسال در این ماه حزب پنجاهمین سالگرد تأسیس خود را برگزار می‌کند. پنجاه سال از دیدگاه تاریخی، برای یک سازمان سیاسی مدت زمان طولانی نیست. اما، به هر حال در جامعه استبداد زده، ادامه حیات حزب و مبارزه بی وقفه آن طی پنجاه سال، زمانی بسیار طولانی، و بی‌انگیز صبر و حوصله و علاقه مفرط اعضا و هواداران آن به مبارزه در راه ایرانی آزاد و آباد و مسخ است. آری این شعار ظاهراً ساده از لحاظ شکل، اما غنی از نظر مضمون، از نخستین روز تشکیل حزب بر پرچم آن نگاشته شد و تا امروز بدون تغییر محتوای پربارش باقی مانده است. سلسله نسل از فرزندان نامدار حزب، جان خود را در راه آزادی خلق، استقلال ایران و نجات میهن از واپس ماندگی تاریخی و فقر و مسکنت و فساد، لذا

ادامه در صفحات ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶

از روشنفکران ایران را تحت تأثیر قرار داده بود، حزب توده ایران توانست از طریق تشکیل یک جبهه ضدفاشیستی، مبارزه علیه این پدیده ضد انسانی را هدایت کند و آن را با موفقیت به انجام برساند.
حزب توده ایران از همان بدو تولد، نه تنها ادامه در ۷ و ۸

نیم قرن پیش، در روز دهم مهرماه ۱۳۲۰، با تولد حزب توده ایران، مبارزه کارگران و مردم زحمتکش ایران پای به عرصه نوینی گذاشت. حزب توده ایران، که در میان شعله های آتش جنگ جهانی دوم به دنیا آمده بود، زندگی خود را با مبارزه علیه فاشیسم آغاز کرد. در این برهه از تاریخ پرتلاطم کشور، که فاشیسم هیتلری بخشی

گل پولاد

پس از این سایه ی چین خورده ی سیمای پدر
لیک کور استغفور ا دیده امید هنوز
ورنه در پونه ی نیلی شب ملت من می دیدی
کاین همه اختر جاوید درخشنده که هست،
بأسدار سحر است!

باز ای گزمه بتاز
بر سر همزه من . کودک من . خواهر من .
باز ای بوسه ی شلاق بر پس
گونه دختر من .
داغ گذار

باز ای گزمه خونخوار بتاز
روی این مزرعه ی سبز جوانی و نشاط
روی این سفره ی رنگین حیات
زیر و رو کن همه هستی ها
کینه در کام زمینهای عطش کرده پباش
چون ندانی که اگر خشم بروید روزی
روی این دشت بزرگ
گل آن نیست گلی، که درو بتوان کرد
کس نچیده است آتش
کس نه آلباشته طوفان در مشت
هیچکس خوشه ی خورشید نکرده است درو
گوش میدار که باز از دل آن ویرانه
از بر خانه ی مخروبه صلح
از بی و سردر بشکسته ی کانون جوانان دلیر
از بن هر دل آشفته برآید آواز
ونه آواز، سرود
بانگ بنیاد جهانی بهتر
غرش فتح دگر باره سراینده و پهر آواتر
که بر آن باد درود
آهن تفته نباشد دل بیدار
که هست

بدر دل مادر من .
تا شکوفا شود از داغ سیه روز سید
تا که اشکی نچکد زحم چیره جاوید ،
باز بر لبش رفیقان من ای دیو برقص
دستبرخ همه یاران تو بتاراج ببر
شعله در دفتر آموختنی ها درکش
با سم اسپان شهر برآشفته بکوب
هر چه خواهی بکن ای مست می بیگانه
تا تا شاگرد رقص تو و بیانی من
راز تلخی که ندانسته، بداند اکنون .
خون اگر نقش ستم بر رخ یاران بنوشت
خون گرمی که بهر چهره دوید
رنگ ترسی که دیدید
سر مغزور رفیقان که شکست ،
بشکسته است غروری که در او است
گرچه درخیم سر راه گرفت ،
ره فردا که نیست
با هجوم تو و غارتگریت شد آزاد ،
هر کتابی که تنش در نفس چوبین بود .
آشیانی ز رفیقان من از سوخته شد ،
برگ آتش خور آتش در جان ،
برگ بار آور بر باد نشین ،
بیشتر شعله زند خانه پرشالی تو

گل بولادی در کام خطر یافته آب
نیست آن گل گل رویایی مهتاب پسند
نیست این گل گل گلدانی بر جوی نشین
هست این یک گل گرداب رو توفانزا
گل آفرخته ی آتش خیز
ریخت بهران و تنی فدای آن ابر گوان
آسمان در دل خود زان هزاران خورشید
روی گهواره ی رنگینه کمان
پرچم صلح سید

دید ای آخر تو که در کشمکش نیرزه و چشم ،
برق چشمان رفیقان همه جا کور نمود ،
برق سرنیزه یاران تو را
گرچه یک اختر تابنده نبیند دیگر
سحری را که براه است براه
گرچه آن دختر بی چشم به دل می بیند ،

زنده باد آزادی و صلح ، طرد باد رژیم "ولایت فقیه" !

اعلامیه کمیته مرکزی ...

ابتکار عمل در مبارزه علیه استعمار کهن انگلیس را به دست گرفت. بلکه در تاریخ ایران اولین حزبی بود که به افشای چهره واقعی امپریالیسم نوپای آمریکا دست زد و مردم ایران را نسبت به خطرات ناشی از آن آگاه نمود. در این دوره، حزب ما با هدایت مبارزات کارگران نفت جنوب، در مبارزه مردم ایران علیه شرکت غاصب نفت ایران و انگلیس نقش شایسته ای ایفا کرد.

حزب توده ایران، از همان بدو تشکیل خود، مبارزه در راه آزادی و دموکراسی را به یکی از اهداف عمده خود تبدیل کرد. در دوران پس از سقوط استبداد رضاخانی، حزب توده ایران با کمک به تشکیل «جبهه آزادی»، «جبهه مؤتلف احزاب آزادیخواه» و «جبهه مطبوعات ضد دیکتاتوری»، به جلوگیری از بازگشت استبداد و تضمین آزادی های دموکراتیک در کشور یاری رساند.

به جرأت می توان گفت که یکی از درخشان ترین صفحات تاریخ مبارزات حزب توده ایران را فعالیت مستمر و گسترده آن در راه سازماندهی کارگران و زحمتکشان ایران تشکیل می دهد. حزب توده ایران در امر بنیان گذاری سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری در ایران نقشی برجسته و تعیین کننده داشته است. تشکیل «شورای متحد مرکزی کارگران و زحمتکشان ایران» و سپس «شورای مؤتلفه مرکزی ایران» از برجسته ترین خدمات حزب به شمار می رود. در مدتی کوتاه، صدها هزار کارگر در این مراکز متشکل شدند و در راه دفاع از منافع خود مبارزه کردند. حزب توده ایران در تنظیم و تصویب اولین قانون کار در کشور، نقشی تعیین کننده و غیرقابل انکار داشته است.

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی در ایران بود که برای اجرای اصلاحات ارضی مترقی به نفع دهقانان دست به مبارزه زد. حزب ما در آگاه ساختن دهقانان نسبت به حقوق مدنی و اجتماعی خود، و کمک به آن ها در جهت تشکیل اتحادیه های دهقانی نقشی اساسی داشته است.

حزب ما از همان بدو تشکیل، در راه دفاع پیکر از حق ملیت های ساکن کشور در تعیین سرنوشت خویش مبارزه کرد. تاریخ مبارزه حزب در دفاع از جنبش های دموکراتیک خلق های آذربایجان و گوردستان در چارچوب یک ایران دموکراتیک، امروز بر همگان روشن است. دفاع پیکر از حقوق زنان کشور، همواره در صدر برنامه های حزب توده ایران بوده

است. حزب ما، «طرح حق انتخاب کردن و انتخاب شدن زنان» را به دوره چهاردهم مجلس شورای ملی عرضه کرد و در جهت تصویب و تحقق اهداف آن از هیچ کوششی فروگذار نکرد. ایجاد «تشکیلات دموکراتیک زنان ایران» از جمله ابتکارات حزب در این عرصه است.

حزب توده ایران جوانان میهن پرست، مردم دوست و مبارز بیشمار را در دامان خود پرورش داده است. کوشش در راه سازماندهی جوانان در مدارس، دانشگاه ها، مزارع و کارخانه ها، همواره بخش مهمی از مبارزات حزب توده ایران را تشکیل می داده است. در این مبارزه سازمان جوانان توده ایران نقش برجسته ای ایفا نموده است.

امروز حتی دشمنان حزب نیز به نقش حزب در ارتقاء سطح فرهنگ جامعه ما اذعان دارند. حزب توده ایران همواره کانون تجمع زبده ترین دانشمندان، هنرمندان، شاعران، نویسندگان و پژوهشگران ایران بوده، و به نوبه خود نمونه های بسیاری از روشنفکران انقلابی را در دامان خود تربیت کرده است. حزب ما در طول تاریخ پنجاه ساله خود، از طریق ترجمه و انتشار بزرگترین آثار ادبی و علمی، نقشی برجسته و اساسی در آشنایی مردم ایران با فرهنگ، فلسفه و دانش نوین در سطح جهان، و ترویج روح همبستگی با زحمتکشان جهان در میان آنها، بازی نموده است.

حزب ما در طول حیات پنجاه ساله اش، همواره آماج کینه و نفرت عمیق دشمنان ایران و استثمارکنندگان طبقه کارگر و مردم زحمتکش کشور ما بوده است. در تمامی پنجاه سال زندگی حزب، هیچگاه زندان ها و شکنجه گاه های حکومت های ضد مردمی حاکم بر ایران، از توده ای ها خالی نبوده است. دشمنان حزب و مردم ایران، در این مدت از هیچ کوششی برای درهم شکستن حزب ما فروگذار نکرده اند. آنها با بی شرمی تمام به حزب ما برچسب وابستگی، خیانت، و جاسوسی زدند. آنها حق فعالیت آزاد و علنی حزب را از آن سلب کردند تا شاید از این راه، ریشه های عمیق آن را در بین توده های مردم، کارگران و زحمتکشان ایران بخشکانند. آنها تلاش کردند که با ایجاد تفرقه در صفوف حزب، آن را از درون متلاشی کنند. آنها ده ها حزب و سازمان سیاسی را با هدف مشخص ضدیت با حزب توده ایران ایجاد کردند، تا شاید از طریق ایجاد تشتت در اذهان مردم زحمتکش ایران، آنان را از حمایت از برنامه و مشی سیاسی حزب بازدارند. آنها به قصد امحاء فیزیکی حزب توده ای ها را گروه گروه به جوخه های اعدام سپردند یا در زیر شکنجه نابود ساختند.

چه بسا حکومت ها که رسماً پایان حیات

حزب توده ایران را اعلام کردند. چه بسا احزاب و سازمان های سیاسی که خود را جانشین حزب اعلام نمودند. چه بسا جلادانی که گفتند از توده ای ها دیگر کسی باقی نمانده است. اما تاریخ چه نشان داد؟ همه آنها به عدم پیوستند، ولی حزب توده ایران، با تمام زخم هایی که از این جنایات بر تن دارد، همچنان استوار و پابرجا ایستاده است و به مبارزه خود در راه احقاق «حقوق مردم ایران ادامه می دهد.

در طول پنجاه سال گذشته، هیچ تحول مثبت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران وجود نداشته که به این یا آن شکل، از مبارزات حزب توده ای ما تأثیر نپذیرفته باشد.

البته تردیدی نیست که حزب توده ایران نیز، همانند هر حزب دیگر فعال در عرصه سیاسی کشور، از اشتباهات مبری نبوده است. این نیز امری طبیعی است. چگونه می توان انتظار داشت حزبی که در تمام طول حیات خود، همواره تحت پیگرد و فشار و ضرب و شتم بوده، و بیش از هشتاد درصد از عمر خود را در تبعید یا در شرایط مبارزه مخفی گذرانده است، از اشتباهات مصون بماند؟ کسانی که با تکیه بر اشتباهات گذشته حزب، سعی در پامال کردن حقانیت تاریخی و نفی گذشته پر افتخار آن دارند، خواسته یا ناخواسته آب به آسیاب دشمنان مردم ایران می ریزند. حزب توده ایران همواره با صداقت کامل اشتباهات گذشته خود را - که گاه صدمات سنگینی نیز برای حزب در بر داشته اند - به نقد گذاشته و با تمام امکان در جهت تصحیح و جبران آنها گام برداشته است.

امسال، توده ای ها پنجاهمین سالگرد تولد حزب خود را علیرغم زخم های عمیق ناشی از جنایات رژیم «ولایت قتیبه» جشن می گیرند. هنوز بیش از سه سال از فاجعه ملی نگذشته است، و قلب فرد فرد توده ای ها، و تمامی مردم ایران، همچنان به خاطر از دست دادن برومندترین فرزندان خود، مالا مال از درد و اندوه است.

ما امسال سالگرد تولد حزب خود را در شرایطی گرامی می داریم که بختک اختناق قرون وسطایی همچنان بر سراسر میهن ما حکمفرما است و هرگونه آزادی و امنیت اجتماعی را از مردم سلب کرده است. رژیم «ولایت قتیبه» اکنون اقتصاد ایران را به سوی ورشکستگی کامل کشانده، با سیاست «جنگ، جنگ، تا پیروزی» خود تمامی کشور را به ویرانه مبدل ساخته، فعالیت صنایع کشور را مختل کرده، اکثریت روشنفکران، متخصصین و نیروی کار آموزش دیده کشور را به خارج از مرزها رانده، اقلیت های ملی و مذهبی را سرکوب کرده، آزادی زنان را سلب نموده، جوانان کشور را به بیکاری و اعتیاد

به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب توده ایران

مبارزه ادامه دارد

کرده و ده ها هزار تن از آنها آواره و سرگردان شده اند. تصادفی نیست که حزب توده ایران را حزب شهیدان نامگذاری کرده اند.

طی این پنجاه سال، حزب و گروه های زیادی به رهبری افرادی از هرم حاکمیت و یا عناصر وابسته به آنان در صحنه سیاسی ایران ظاهر شدند، ولی خیلی بسرعت عرصه مبارزه سیاسی را ترک کردند. چرا حزب توده ای ما هنوز هم به مبارزه ادامه می دهد؟ برای آنکه این حزب از بطن جامعه برخاسته و آمل و آرمان توده های زحمتکش را سرلوحه برنامه خود قرار داده است.

چه کسی در میهن زجر دیده ما خواهان نفس کشیدن آزاد نبوده و نیست؟ وقتی فاشیسم می رفت تا افکار جوانان ایرانی، و نه تنها آنها، را زهرآلود سازد، حزب پرچم ضدفاشیستی مبارزه فراگیر در راه آزادی و دمکراسی را برافراشت و توده های متعلق به طبقات و لایه های اجتماعی گوناگون جامعه زیر آن گرد آمدند. اینکه در کشور از نظر اقتصادی واپس مانده ای چون ایران، طبقه کارگر جوان به حزب توده ای ما باور کرد و زیر پرچم آن متحد گردید، خود دلیل بارز و قاطع اصالت حزب ما بود. حزب، زمانی گام در عرصه مبارزه گذارد، که جامعه به علل عدیده تقریباً فاقد فرهنگ سیاسی بود. حزب می بایست چنین فرهنگی را رواج دهد و امروز با جرأت می توان گفت که در این راه موفقیت چشمگیری نصیب حزب شد. احدى نمی تواند منکر خدمات عظیم فرهنگی - سیاسی و ادبی - هنری حزب توده ایران باشد. زیده روشنفکران ایران با گردنم آبی در صفوف حزب، در همه رشته های علم و ادب و فرهنگ و هنر و آموزش و پرورش و ... طرقی را ارائه کردند که اهمیت سرنوشت سازی برای میهن ما داشت.

مبارزه در راه بسیج نیروهای سیاسی در جبهه واحد، یکی دیگر از خدمات حزب ما بوده و هست. حزب توده ایران در سراسر پنجاه سال فعالیت مخفی و علنی، آنی مبارزه در راه جبهه واحد نیروهای دارای عقاید سیاسی و ایدئولوژیکی مختلف را تطویل نکرده است و در مراحل حساسی نیز در این راه موفقیت هایی به دست آورده است. ما، امروز هم در این راه پیش می رویم، زیرا برآنیم که بدون تشکیل هرچه بیشتر نیروهای سیاسی دمکراتیک نمی توان راه گذار به آزادی و دمکراسی را هموار ساخت.

گذشت زمان صحت سیاست ملی حزب توده ایران را در کشور کثیرالماله به اثبات رساند. سنگپایه این سیاست، احترام به حق خلق ما در تعیین سرنوشت خویش بود. آنچه امروز در عرصه بین المللی می گذرد، گویای اصالت این سیاست دارای ماهیت هومانیتیستی است.

پیکار در راه بهبود شرایط کار و زندگی کارگران و دهقانان و روشنفکران و دیگر زحمتکشان شهر و روستا، همیشه در مرکز سیاست کوتاه و درازمدت حزب قرار داشت. نسلی از کارگران که در سازماندهی شورای متحده مرکزی شرکت داشتند، فراموش نکرده اند که چگونه حزب ما با تجهیز کارگران و سازمان دادن مبارزه بی گیر آنان، توانست برای نخستین بار در تاریخ ایران، ۸ ساعت کار در روز، تعیین حداقل

دستمزدها، مراعات امنیت کار و تعیین دستمزدها برپایه اشل متحرک و... را به کارفرمایان و دولت تحمیل کند.

حزب توده ایران نخستین سازمان سیاسی بود که زنان و جوانان و دهقانان تهیدست را در اتحادیه های ویژه صنفی برای احقاق حقوق خویش متشکل ساخت. مبارزه حزب توده ای ما در راه آزادی زن و تأمین حقوق برابر زن و مرد، و پیکار سرسخت آن برای از بین بردن بازمانده فئودالیسم و واگذاری زمین ها به دهقانان، فراموش نشدنی است.

منتقدان حزب می گویند، که ما در مراحل از مبارزه مرتکب اشتباه سیاسی شده ایم. اگر این دوستان همزمان با انتقاد، از خدمات حزب که ما فقط گوشه ای از آن را بازگو کردیم، یادی می کردند، جای بحثی نمی بود. با وجود این، رهبری حزب در بررسی مراحل تاریخی، بارها و بارها روی اشتباهات خود انگشت گذارده است. ما گفته ایم که برخی از این اشتباهات زودگذر بوده و حزب شجاعت آن را داشته تا با سرعت در تصحیح آنها بکوشد، و موفق نیز بوده است. بعضی دیگر، بدون تردید اشتباهات بزرگ بوده و ما جوانب عدیده آن را، البته نه برای خوش آیند این یا آن شخص و سازمان، بلکه برای جلوگیری از تکرار آنها، مورد بررسی قرار داده ایم.

در پنجاهمین سالگرد زادروز حزب، به جاست یادآور شویم که تعیین سیاست داخلی و خارجی حزب و تدوین و تنظیم برنامه های آن، در شرایط بسیار سخت فعالیت مخفی جریان داشته و این امر نمی توانست در تصمیم های نهایی مؤثر نیفتد. از حزبی که بخش اعظم مبارزه آن درخفا بوده و در هر یورش تعدادی از بهترین فرزندان خود را از دست داده، نباید انتظار پیشروی بدون اشتباه را داشت. راهی که ما طی این پنجاه سال طی کرده ایم هموار نبوده است. ما، در تاریکی شب استبداد، راهی پر از پرتگاه های خطرناک را طی کرده ایم و امروز هم در همان راه به پیش می رویم.

ضربه ای که حزب ما در ۲۸ مرداد خورد، بسیار مؤثر و دردناک بود. دشمنان ما کار حزب را تمام شده می دانستند. به نام حزب صفت «منحله» را افزودند. با این وجود، ارگان های تبلیغاتی رژیم حاکم، مدام از «حزب منحل شده» نام می بردند و لبه تیز حملات تبلیغاتی خود را متوجه آن می کردند. می دانید چرا؟ برای اینکه حزب عمل می کرد و با فعالیت روشنگرانه خود، که عمدتاً از طریق ترویج برنامه های واقع بینانه مبتنی بر زندگی مردم و واقعیات جامعه بود، و نیز ارائه تحلیل های زنده و راه های ارزنده، به هدایت توده های مردم ادامه می داد و مانع از خاموش شدن چراغ امید انسان ها می شد. طبیعی است که در چنین شرایطی مبلغان رژیم و ارگان های سرکوبگر آن نمی توانستند آرام بنشینند و ناظر بی طرف باشند.

پس از انقلاب، هنوز چندصباحی نگذشته، بار دیگر استبداد، این بار در شکل مذهبی آن بر جامعه مستولی شد. شکنجه گاه هایی که در سال نخست پس از انقلاب به موزه تبدیل شده بودند، تغییر شکل دادند.

اثر می گذارد، سیاست اقتصادی - اجتماعی رژیم های حاکم است. به بیان دیگر، ساختار سیاسی در هر جامعه ای در تشدید و تضعیف بحران نقش عمده و سرنوشت ساز دارد. متأسفانه ساختار سیاسی حاکمیت در جامعه ما، که همیشه دارای ماهیت استبدادی و خودکامگی بوده، سد عمده تأمین رشد موزون و متناسب با اوضاع و احوال کشور، به منظور حل معضلات عظیم اجتماعی از طریق حل مسایل اقتصادی بوده است. مطالعه و تحلیل سیر رویدادها در کشورهایی که رژیم های خودکامه بر آنها حاکم بوده اند، بارها و بارها تضاد میان استبداد و رشد اقتصادی را به اثبات رسانده است. واقعاً نیز رشد مناسب و حساب شده اقتصادی، قبل از هر چیز و در وهله نخست، پیکای اهرم های رشد، تحلیل همه جانبه شرایط ویژه رشد و نیز انتخاب آزادانه راه رشد را طلب می کند. همه اینها نیز، بدون پژوهش های آزاد و برخورد آزاد نظرات در جامعه آزاد امکان پذیر نیست.

کشور ما دارای اقتصاد تک کالایی و واپس مانده است. این واقعیت به اندازه ای عیان است که هیچ انسان عاقلی قادر به نفی آن نبوده و نیست و نمی تواند باشد. مسئله اصلی در اینجا جستجوی علل و عوامل وابستگی است. سران رژیم جمهوری اسلامی می گویند تا این وضع را محصول «توطئه های» دشمن معرفی کنند. این، قطع یک بهانه برای پرده پوشی سیاست ضدخلقی اقتصادی - اجتماعی رژیم حاکم است.

حرف برسر دشمن یا دشمنان نیست. در اینکه انحصارهای امپریالیستی جهان سوم را به شدت استثمار می کنند، جای بحث نیست. بحث برسر آن است که چگونه باید درجه این استثمار و غارت را کاهش داد. حرف برسر استراتژی و تاکتیک رشد اقتصادی با اولویت دادن به منابع داخلی و کاهش غارت امپریالیستی از طریق استفاده ماهرانه از رقابت انحصارها در عرصه بین المللی است. تدوین چنین استراتژی و تاکتیکی، هنگامی می تواند موفقیت آمیز باشد که طیف وسیعی از مردم آزادانه بتوانند درباره آنها نظر دهند. در نیم سده حیات حزب، ما ناظر چنین شرایطی نبوده ایم.

رژیم استبدادی قرون وسطایی مذهبی جان گرفته پس از انقلاب خلقی بهمن ۱۳۵۷، کشور ما را ده ها سال از قافله تمدن عقب انداخت. انقلاب بهمن به علت خلقی بودنش می توانست در صورت استقرار یک حکومت دمکراتیک، که هدف عمده آن نیز بود، ساختار جدید حاکمیت را بوجود آورد و زمینه رشد نسبتاً سریع اقتصادی - اجتماعی را فراهم سازد. متأسفانه این بار نیروهای ارتجاعی و بر رأس آنها روحانیت، سدی در برابر تحقق خواست توده ها ایجاد کردند. مردم مبارزه کردند و قربانی فراوان دادند تا از موهبت دمکراسی برای پیشرفت اجتماعی - اقتصادی بهره گیرند، اما نتیجه عکس گرفتند و شاید برای نخستین بار در تاریخ معاصر چرخهای رشد به عقب باز گردانده شد. دو شاخص عمده اقتصادی یعنی تولید ناخالص ملی و درآمد ملی هنوز به سطح سال ۱۳۵۶ نرسیده و این در حالی است که جمعیت کشور سالانه ۲/۷ درصد اضافه شده است.

سران رژیم سالها این فاجعه را از افکار عمومی پنهان می داشتند. در خطبه نماز جمعه ۱۸ مرداد سال ۱۳۷۰، رفسنجانی وضع فلاکتی اقتصادی کشور را برای شنوندگانش که اکثرآ بار سنگین آنرا بر دوش داشتند ترسیم کرد. وی سخنان خود را چنین آغاز کرد: «این جمع بندی قدری صریح و روشن خواهد بود. مطالبی که ما در گذشته و مخصوصاً در دوران بعد از جنگ با این صراحت و روشنی مطرح نمی کردیم....»

این مطالب چه بودند؟ فقدان صنایع واقعی و وابستگی عمیق صنایع موجود به خارج، ورشکستگی کشاورزی، نبود و یا کمبود راه های شوسه و راه آهن، موق ماندن طرح های زیربنایی، کاهش درآمد سرانه، بیکاری، محروم تر شدن محرومان، افت تحصیلی در مدارس و دانشگاه ها و....

ما درباره اعترافات آقای رفسنجانی، در «نامه مردم» به تفصیل سخن گفته ایم و نیازی به تکرار آن در اینجا نمی بینیم. اظهارات رئیس جمهور رژیم، اعتراف دیروقت به آنچه ما درباره بحران ژرف ساختاری کشور گفته و نوشته ایم، بود. فقط ناینایان سیاسی و عوامفریبان و سیاستمداران حقه باز می توانستند حقیقت ورشکستگی اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی را پنهان دارند و مانند کبک سر به زیر برف کنند و چنین بیاندیشند که کسی آنها را نمی بیند.

اقتصاد ایران تک کالایی است، یعنی وابسته به یک کالا - نفت - بوده و هست. همه کشورهای جهان سوم که دارای اقتصاد تک کالایی هستند، با

زندان ها انباشته از نمایندگان احزاب و سازمان های مترقی و دمکراتیک شد. شکنجه گران حرفه ای زیر پوشش «اسلام قهاقی» کار خود را از نو آغاز کردند. شلیک تیر جوخه های اعدام به صدا درآمد و چوبه های اعدام آماده «کار» شدند. تاریخ با طرز فاجعه انگیزتر و با کیفیتی نوین تکرار شد. نتیجه فاجعه ملی بود! هزاران دگراندیش مبارز بدون محاکمه، بی رحمانه اعدام شدند. رژیم جمهوری اسلامی با این عمل ضدانسانی چهره واقعی خود را در برابر جهانیان به نمایش گذارد و ضربه شدیدی بر آنچه آنها «اسلام قهاقی» می نامیدند، و ملاً بر باور میلیون ها مسلمان واقعی، وارد آورد. باید اذعان کرد که هیچ نیروی ضد «ولایت قتیبه» قادر نمی بود در فاصله زمانی چنین کوتاهی، سیرت ددمتشان «نظام ولایت قتیبه» را فاش سازد. در این زمینه، جامعه ما باید «مدیون» آخوندهای حاکم باشد.

در جریان فاجعه ملی، حزب توده ایران برای دومین بار عده زیادی از بهترین، مبارزترین و فداکارترین کادریهای خود را از دست داد. این روند نمی توانست در کارایی رهبری حزب موثر نیفتد. از سوی دیگر، اقدامات ضد انسانی و ضد قانونی رژیم به موازات اشتباهات حزب در سال های پس از انقلاب، و همچنین خودمحروریتی ها، جاه طلبی ها و خرابکاری های برخی در درون حزب، موجبات به انفعال کشانده شدن عده ای از اعضای حزب را فراهم آورد. مهاجرت ر بی آمدهای آن نیز عامل دیگری در تضعیف ضوف حزب بود.

در دوسال اخیر، فروپاشی سوسیالیسم در اروپای شرقی و اتحاد شوروی و خیانت برخی از رهبران کشورهای سوسیالیستی به سوسیالیسم و کمونیسم از طریق تغییر «سیرت» و تبدیل شدن به ضدکمونیست های هار نیز، تأثیر منفی در مجموعه نهضت چپ برجای گذارد که هنوز نمی توان آن را پایان یافته تلقی کرد.

بدینسان حزب توده ایران درحالی به پنجاهمین سالروز خود گام می نهد که تا اندازه ای تضعیف شده است. خوشبختانه باید خاطر نشان ساخت که فعالیت هسته های مخفی حزبی توانسته در این سال های به اصطلاح طوفانی، حضور حزب در جامعه را، گرچه محدودتر، تأمین کند. البته در این باره نباید فداکاری و از خودگذشتگی اعضا و هواداران معتقد حزب در مهاجرت را از نظر دور داشت.

هر دو عامل پیش گفته، به کمیته مرکزی حزب امکان داده تا در سخت ترین شرایط، و با وجود کمبود کادر، بتواند برنامه منسجمی براساس تحلیل های واقع بینانه تدوین و شعارهای روز را برپایه آن ارائه دهد. هم در کنفرانس ملی و هم پس از آن، رهبری حزب به درستی شعارهای آزادی و دمکراسی، صلح و عدالت اجتماعی را برجسته کرد. این عمل، بر دید صحیح حزب نسبت به رویدادها در داخل کشور و خارج از مرزهای آن، متکی بود. سیاست حزب در پلنوم فروردین ماه، دایر بر تکیه روی پلورالیسم سیاسی - اقتصادی در جامعه، گام مهم دیگر در راستای واقع گرایی و دوری از دکماتیسم بود.

تاریخ پنجاه ساله حزب شاهد زنده این واقعیت است. حزب در همه دوران فعالیت خود، آنی توازن و آرایش نیروها در جامعه را بدست فراموشی نسپرد، و در کلیه موارد کوشیده تا از چپ روی و راست روی در سیاست دوری جوید. دکماتیسم هیچگاه نتوانسته در حزب ما ریشه بدواند، گرچه در موارد نادری رهبری حزب دچار چپ گرایی و راست گرایی بوده است.

به نظر ما، در پنجاهمین سالگرد حزب، ضرور است که به جای بازگو کردن تاریخ (در این باره زیاد نوشته شده است) به تحلیل جامع سیر رویدادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در داخل کشور، و تحولات روانی در توده ها در ماه های اخیر، بپردازیم تا شاید بدینسان بتوانیم راه پیشروی به سوی آینده را روشن تر سازیم.

وضع اقتصادی - اجتماعی کشور

جمهوری اسلامی با بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی و مالی روبرو است. این بحران در ژرفا و پهنا گسترش می یابد و می توان گفت سراسر شئون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی را فراگرفته و به بحران ساختاری تبدیل شده است.

هر بحرانی محصول عوامل گوناگون است. اما، آنچه در تمعق بحران

موزه انواع مدل‌های کهنه شده اتومبیل‌های اروپای غربی و آمریکاست. اخیراً رژیم تصمیم گرفت تا به موتاژ «پیکان» یا موتور ۱۶۰۰ «تالوت» در ایران ادامه دهد. در عین حال رژیم در صدد موتاژ پژو در جمهوری اسلامی است. در اینجا درباره انواع کالاهای مصرفی دراز مدت و کوتاه مدت موتاژ شده در داخل سخن نمی‌گوییم

نهم تیرماه سال جاری، روزنامه «کیهان» خبری به نقل از روابط عمومی وزارت صنایع سنگین (دقت کنید صنایع سنگین) درباره عملکرد سال ۶۹ صنعت سنگین کشور منتشر کرد که در آن گفته می‌شود وزارت صنایع سنگین با اجرای ۵۵۰ طرح صنعتی با حجم ۴۱۱ میلیارد ریال در سال ۶۹ موافقت کرده است. سرمایه‌گذاری طرح‌های مذکور مربوط به گروه خودرو و موتور و محرکه‌ها، ۲۵ درصد مربوط به ماشین‌سازی و ساخت تجهیزات و ۲۷ درصد ریخته‌گری و آهن‌گری بوده است. با اجرای این ۵۵۰ طرح، پیش‌بینی می‌شود ۲۷۰۰۰ نفر در سطح کشور شاغل بکار شوند. با اندکی دقت می‌توان دید که رژیم کماکان به سیاست تعمیق وابستگی کشور به بازار غرب ادامه می‌دهد. به اصطلاح صنایعی که باید در رشته صنایع سنگین به وجود آیند، عبارت خواهند بود از مؤسسات کوچکی که میانگین کارکنان آنها از ۴۰ نفر تجاوز نخواهد کرد.

طی ۱۲ سال پس از انقلاب بهمن، سیاست رژیم درجهت گسترش مؤسسات کوچک وابسته به خارج بوده است. ۳۰ خرداد ۱۳۷۰، روزنامه «رسالت» از ۵۰۰ واحد صنعتی کوچک «غیرمجاز» نام برد که دولت در صدد تعطیل آنها است.

انحصارهای بزرگ خارجی طرف معامله با ایران، در نیم قرن اخیر بارها نشان داده‌اند که بیهیچوجه در صدد کمک به رشد صنعتی ایران نبوده‌اند. و این تنها شامل کشور ما نیست و به شکل یک قانونمندی عام برای همه کشورهای جهان سوم درآمده است. در این اواخر، پس از اعلام تصمیم دولت درباره بازسازی خسارات وارده از جنگ هشت ساله و نیز سیاست به اصطلاح نوسازی اقتصادی، سیل نمایندگان دولت‌ها و انحصارهای اروپای غربی و ژاپن به ایران روان شد. هدف، مانند گذشته، دستیابی به بازار سودآور ایران است. در تیرماه ۱۳۷۰، وزیر صنایع جمهوری اسلامی ایران پس از پایان سفر پنج روزه به فرانسه، در یک مصاحبه با خبرنگاران جمهوری اسلامی در پاریس گفت: قرار است یک گروه کارشناس از صنایع فرانسه به ایران سفر کند و ضمن بازدید از کارخانجات واحدهای صنعتی در مورد زمینه‌های جدید همکاری و نحوه استفاده از ظرفیت‌های خالی کارخانجات پیشنهادهایی ارائه دهد. همچنان قرار است به زودی یک قرارداد همکاری فنی و اقتصادی بین ایران و فرانسه منعقد شود.

از کدام همکاری فنی سخن می‌رود و حیطة عمل آن تا کجاست؟ به گفته آقای وزیر، شرکت‌های فرانسوی که با ایران در زمینه ساخت خودرو همکاری دارند، موافقت کرده‌اند تا در چارچوب یک برنامه ریزی دقیق کمک‌های لازم برای تولید «قطعات کوچک» - تکرار می‌کنیم، «قطعات کوچک» - خودرو در کارخانجات ایران را ارائه دهند. چنین است ماهیت کمک غرب به «نوسازی صنعتی» جمهوری اسلامی که اینهمه درباره اش تبلیغ می‌شود.

اوایل تیرماه، نخستین اجلاس کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و آلمان با شرکت وزرای اقتصاد دو کشور و گروهی از نمایندگان شرکت‌های آلمانی تشکیل شد. نوریخس، وزیر اقتصاد جمهوری اسلامی، در این جلسه ادعا کرد که دولت طی دو سال اول برنامه پنجساله توانسته با استقراض از سیستم بانکی، کسری بودجه اش را کاهش دهد و از طریق «افزایش ظرفیت‌های تولیدی»، تولید ناخالص داخلی رشد یافته و نرخ تورم کاسته شده است.

این اظهارات وزیر اقتصاد با واقعیت در تضاد است. معلوم نیست که وی از کدام افزایش ظرفیت‌های تولیدی سخن می‌گوید. همه می‌دانند که حتی صنایع موتاژ موجود، به علت کمبود مواد خام و لوازم یدکی و... با ظرفیت کامل کار نمی‌کنند. موضوع کاهش استقراض از سیستم بانکی و کسری بودجه نیز افسانه‌ای بیش نیست.

در سال ۱۳۶۷، کل درآمد بودجه ۲۰۰۰ میلیارد ریال بود. این رقم در بودجه سال ۱۳۷۰ ناگهان دو برابر شد. چگونه می‌توان در شرایط بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی، درآمد دولت را در فاصله زمانی کوتاه به

رشته‌های مرئی و نامرئی به بازار جهان سرمایه‌داری رشد یافته وابسته‌اند و خواهند بود.

جمهوری اسلامی در چهار ماه سال جاری روزانه ۳/۵ میلیون بشکه نفت استخراج کرده و از این مقدار، حدود ۹۰۰ تا ۹۵۰ هزار بشکه به مصرف داخلی رسیده است. درآمد ارزی رژیم از محل فروش بقیه نفت خام ۵/۱۴ میلیارد دلار بوده است. با وجود «تصمیم» دولت دایر بر افزایش کالاهای صادراتی، هیچگونه رونقی در این عرصه به چشم نمی‌خورد. این نیز طبیعی است. ایران جز کالاهای سنتی مانند فرش، پوست، روده، تره بار و سبزیجات، پسته و مغز پسته، کشمش، خرما، زیره، برگه زردآلو، بادام، ماهی، خاویار، صمغ، کنیرا، سنگ‌های فلزی و مواد ساختمانی، کالایی برای صدور ندارد. در واقع هم یک کشور واردکننده کالاهای مصرفی و محصولات کشاورزی، کشوری که فاقد صنایع کلیدی و ماشین‌سازی است، نمی‌تواند در زمره کشورهای صادرکننده قرار گیرد.

حسین شاهرودی، نماینده مجلس شورای اسلامی، به هنگام بحث پیرامون لایحه بودجه سال ۱۳۷۰ گفت: با وجود اینکه در برنامه پنجساله میزان وابستگی اقتصاد به درآمد نفت ۱۷ تا ۱۸ درصد تعیین شده، در لایحه بودجه سال ۷۰، این وابستگی به حدود ۵۰ درصد بالغ می‌شود. سایر درآمدهای مورد نظر لایحه بودجه هم فقط روی کاغذ است. مثلاً، در بودجه سال ۱۳۶۹، مبلغ ۲/۳ میلیارد دلار درآمد ارزی از طریق صادرات غیرنفتی در نظر گرفته شده بود که عملاً فقط ۵۰ میلیون دلار از این بابت وارد خزانه دولت شد.

طی سه ماهه اول سال ۷۰، وزن صادرات غیرنفتی جمهوری اسلامی، در مقایسه با مدت مشابه در سال ۶۹، حدود ۲۲/۴ درصد کاهش نشان می‌دهد. طبق گزارش گمرک جمهوری اسلامی، میزان واردات کشور در فاصله همین مدت، ۲۸/۵ درصد افزایش داشته است.

چندی پیش، محمدحسین عادل رییس بانک مرکزی اعلام کرد که در سال ۱۳۶۹، مبلغ ۲۱/۹ میلیارد دلار صرف واردات شده است. و این درحالی است که کل درآمد ارزی کشور در همان سال، از ۱۵/۶ میلیارد دلار تجاوز نکرده است. اخیراً وزیر بازرگانی بی‌پرده گفت: «بخش عظیمی از کالاهای کشور از خارج وارد می‌شود». جز این هم نباید انتظاری داشت. کشور، هم از لحاظ مواد خام و لوازم یدکی و قطعات منفصله برای راه اندازی صنایع موتاژ، و هم برای تغذیه جمعیت درحال رشد خود، وابسته به بازار خارج و در درجه اول کشورهای اروپای غربی، ژاپن و آمریکاست. و این روند جدیدی نیست. وابستگی ایران به تولید و تجدید تولید بازار غرب، ریشه تاریخی دارد. اما، باید گفت که بعد از انقلاب بهمن، روند وابستگی در ژرفا و پهنا گسترش یافته است.

چهارم شهریورماه، شریفی، مدیرکل دفتر هماهنگی و نظارت بر امور بازرگانی وزارت معادن و فلزات، در یک مصاحبه مطبوعاتی از جمله گفت: مواد معدنی صادر شده در چهار ماه اول سال جاری شامل سنگ‌های ساختمانی و دیگر مصالح ساختمانی بوده است. وی به ویژه روی افزایش صادرات مواد معدنی فلزی اصرار داشت.

آیا کشور نیازی به این گونه مواد معدنی ندارد؟ شریفی در مصاحبه پیش‌گفته، میزان تولید فولاد در چهار ماه اول سال جاری را فقط ۱۶۷ هزار تن اعلام کرد. بدینسان کشور ما از لحاظ تولید سرانه فولاد در ردیف عقب‌مانده‌ترین کشورها قرار دارد.

در تیرماه سال جاری، نادر دهقانی، مدیر عامل مرکز تهیه و توزیع ماشین‌آلات و قطعات یدکی، اعلام کرد که معادل ۲/۷ میلیارد دلار قطعات یدکی انواع خودرو «برای شکستن قیمت‌ها به تدریج وارد کشور می‌شود». یدکی‌های وارداتی با «ارز رقابتی»، به ارزش بیش از یک میلیارد دلار، در این رقم وارد نشده است.

نه شریفی و نه نادر دهقانی درباره کل ارزی که سالانه صرف خرید قطعات منفصله، مواد خام و دیگر قطعات یدکی برای راه اندازی کارخانه‌های موتاژ می‌شود، سخنی نگفتند. نکاهی حتی گذرا به فهرست ماشین‌آلات کشاورزی و خودروها در ایران نشانگر ژرفای وابستگی به تکنیک خارجی است. مثلاً، در روستاهای ایران، به طور عمده از تراکتورها و کسباین‌های «جاندریر»، «مسی فرگوسن» و «اونیورسال» استفاده می‌شود. در مورد خودرو نیازی به تشریح نیست. طی سه دهه اخیر، ده‌ها نوع خودرو خارجی در ایران موتاژ شده و بازار خودرو ایران در واقع

در خرداد ماه سال جاری، آقازاده، وزیر نفت، اعتراف کرد که رژیم طرح هایی به برخی از شرکت های اروپایی و ژاپنی به منظور سرمایه گذاری مشترک در صنایع نفت کشور، ارائه داده است. باید خاطرنشان کرد که واگذاری صنایع نفت به شرکت های خارجی با مواد قانون اساسی جمهوری اسلامی مباحث آشکار دارد. اما، آقازاده می گوید که گفتگوهایی برای تعیین فرمولی جهت انجام سرمایه گذاری مشترک با انحصارهای خارجی به تحوی که با قانون اساسی و قوانین نفتی ایران مغایرتی نداشته باشد، در جریان است.

روزنامه «رسالت» (۳۰ خرداد ۷۰)، به نقل از نشریه «پی. ای. وی.» نوشت که مقامات شرکت ملی نفت جمهوری اسلامی سرگرم مذاکره درخصوص بکارگیری ۱۵۰ هزار بشکه از ظرفیت روزانه پالایشی کانادا می باشند. افزون بر این، رژیم در صدد است پالایشگاهی به ظرفیت ۱۲۰ تا ۱۵۰ هزار بشکه در روز در بندر قاسم واقع در پاکستان احداث کند. و این در شرایطی است که کشور هم کمبود فرآورده های نفتی دارد و هم میلیونها نفر بیکار در جستجوی کار دربردار هستند. بدون تردید، نفتی که به شکل خام صادر می شود، نه تنها می توانست منبعی برای احداث پالایشگاهها و صنایع پتروشیمی در کشور ما باشد، بلکه در عین حال قادر بود نیروی کار عظیم کار عاقل و باطل مانده در داخل کشور را به کار سازنده جلب کند. اما، رژیم جمهوری اسلامی در این راستا نیز به تقلید از سیاست گذشته، یعنی به صدور سرمایه با وجود کمبود بیش از حد سرمایه در داخل روی آورده که هدفی سیاسی را تعقیب می کند.

حزب توده ایران، پس از انقلاب برنامه عمل ایجاد صنایع پتروشیمی و صادرات هزاران نوع فرآورده های آنها به جای صدور نفت خام را ارائه داشت. ما در آن ایام نوشتیم که از هیدرو کربورهای نفتی، فرآورده های با ارزش افزوده ای چندین برابر ارزش مواد اولیه آن می توان تولید و صادر کرد و بدینسان، از سویی میزان استخراج نفت را به نصف کاهش داد و از سوی دیگر، از میلیونها متر مکعب گازی که روزانه در میدان نفت سوزانده و تبدیل به دود می شود، در صنایع پتروشیمی به عنوان ماده خام استفاده کرد.

اما رژیم برای برون رفت از بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی مانند گذشته استفاده از «کمک غرب» را جایگزین اولویت دادن به بهره گیری از منابع داخلی کرده است. کارشناسان اقتصادی به حق معتقدند که سران رژیم در این مورد می خواهند آزموده را بار دیگر بیازمایند.

در پرتو آنچه پیرامون نقش سرمایه انحصاری خارجی در «بازسازی» جمهوری اسلامی گفته شد، اظهارات آقای خامنه ای «ولی قبیله» و «رهبر» رژیم جلب توجه می کند. روز ۸ تیرماه سال جاری، وی در ملاقاتی با خانواده های «شهدای هفتم تیر»، طوطی وار آنچه را خمینی بلافاصله پس از انقلاب بر سر زبان داشت، تکرار کرد و گفت: «دشمن همواره و در هر زمان به نوعی در صدد فاجعه آفرینی است و برای این منظور عناصر و گروه هایی را... بکار می گیرد. استکبار آمریکا و سرمایه داران بزرگ بین المللی با تمام وجود با اسلام و انقلاب اسلامی مخالفند و در صدد ضربه زدن هستند. دشمن از اسلام و این ملت سیلی خورده و سرفه اش در این کشور برچیده شده است....»

ما، بر پایه فاکت های رسمی و غیرقابل انکار نشان دادیم که برخلاف اظهارات عوامفریبانه «رهبر»، سران رژیم جمهوری اسلامی سفره های چرب و نرمی برای سرمایه داران بزرگ بین المللی پهن کرده اند.

در اقتصاد تک کالایی ما، هرگونه کاهش درآمد ارزی (در نتیجه کاهش تولید نفت و نوسان قیمت آن و ارزش دلار در بازار جهانی) منجر به کاهش تولید وابسته به خارج می شود. در سال های اخیر، کاهش درآمد نفت و تخصیص بخش اعظم آن به جنگ، تولید را فلج کرد، کارخانه های مونتاژ که بر اساس تولید و تجدید تولید جهان غرب متکی بودند، تعطیل شدند و در مقابل، فعالیت های غیر مولد اقتصادی مانند بازرگانی، توزیع و واسطه گری به علت سودآوری، رشد فزاینده داشتند.

برای خروج از این ساختار ناموزون اقتصادی، چه تدابیری اندیشیده اند و کدام سیاست معقول را در پیش گرفته اند؟

ادامه دارد

دوبرابر افزایش داد؟ فقط از راه شعیبه بازی و بازی با ارقام. حتی حائری زاده، نماینده مجلس شورای اسلامی مجبور است بگوید «این یک حيله قانونی برای استقراض است». هدایت الله آقائی، نماینده دیگر مجلس، می گوید که از ۲۰ میلیارد دلار هزینه ارزی لایحه بودجه، کمتر از ۳ میلیارد دلار آن سرمایه گذاری واقعی است.

آقای علی عنایت، جنبه دیگر سیاست رژیم را در مجلس شورای اسلامی فاش ساخت و از دولت خواست تا حقایق را به مردم بگوید. این حقایق پنهان از مردم کدام اند؟ وی می گوید، تا سال ۱۳۶۷ تولید ناخالص ملی به حداقل و بیکاری به حداکثر رسید. تا سال ۱۳۶۷ حدود ۱۵۰۰ میلیارد تومان و ۱۲ میلیارد دلار وام داخلی و خارجی داشته ام.

در سال های بعد از انقلاب، عوامل چندی در راندن جامعه به سوی ورشکستگی اقتصادی دخالت داشته اند که مهم ترین آنها سیاست ضد خلقی رژیم در زمینه ایجاد شرایط برای ادامه غارت مردم توسط انحصارهای خارجی و سوداگران داخلی است. در مورد اخیر، طبق آمار رسمی، در سال ۱۳۶۷ حجم نقدینگی نزد بازرگانان، محتکران و گرانفروشان به ۱۵۲۲۰ میلیارد ریال رسید. دریاچه ادامه غارت انحصارهای خارجی، کافی است به اظهارات نوربخش در کمیسیون مشترک اقتصادی ایران و آلمان توجه کنیم. او گفت که در دهه اخیر، آلمان ۴۲ میلیارد مارک کالا و خدمات به ایران فروخته، و در این مدت تنها ۱۴ میلیارد مارک کالا از ایران خریداری کرده است. («کیهان»، ۹ تیر ۱۳۷۰)

انحصارهای خارجی با تکیه روی خسارت ۶۰۰ میلیارد دلاری وارده به ایران در جنگ هشت ساله، «بازسازی» جمهوری اسلامی را «معامله بزرگ سالهای ۹۰» نامیده اند. روزنامه «رسالت» (۴ اردیبهشت ۱۳۷۰) به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی می نویسد که دولت در صدد است طی برنامه پنجساله، ۲۷ میلیارد دلار وام خارجی دریافت کند. تصادفی نیست که «آلبرتو روسی»، معاون تجارت خارجی ایتالیا می نویسد: «تهران برای شرکت ها به عنوان بازار استراتژیکی با ظرفیت بسیار بالا مطرح است».

«رسالت» در شماره مورد بحث به نقل از هفته نامه ایتالیایی «پانوراما» می نویسد، شرکت ایتالیایی «ساجه»، بیمه تجارت خارجی ایتالیا، عمده ترین مؤسسه مالی خارجی است که اعتبارات مالی در اختیار جمهوری اسلامی می گذارد. تا به حال، این شرکت پرداخت ۵ هزار میلیارد لیر (حدود ۴/۲ میلیارد دلار) اعتبار به جمهوری اسلامی را تضمین کرده است.

افزون بر این، بانک های فرانسوی و آلمانی نیز به ترتیب وعده پرداخت ۵/۸ و ۳ میلیارد دلار وام به جمهوری اسلامی را داده اند. («رسالت»، ۱۹ خرداد ۱۳۷۰)

عادلی، رئیس کل بانک مرکزی، در مصاحبه با نشریه عربی زبان «الحیات»، در ارتباط با برنامه عمرانی پنجساله اول که از اول مارس ۱۹۹۰ آغاز شده، از جمله گفت: «برای اجرای پروژه های عمرانی در نظر است که مبلغ ۱۷/۵ میلیارد دلار اعتبار خارجی دریافت شود که تاکنون نیمی از آن با تضمین دولت ایران دریافت شده است». وی هزینه بازسازی تأسیسات آسیب دیده از جنگ را حدود ۳۰۰ میلیارد دلار برآورد کرد.

سران جمهوری اسلامی، برای تأمین ارز مورد نیاز در صدد اند تولید روزانه نفت را به ۵ میلیون بشکه افزایش دهند. بدین منظور شرکت ملی نفت ایران می خواهد جهت بهره برداری از میدان نفتی برون ساحلی ۳ میلیارد دلار، و جهت بهره برداری از میدان نفتی ساحلی ۲ میلیارد دلار سرمایه گذاری کند. افزون بر این، در سه سال آینده باید حداقل ۱/۴ میلیارد دلار صرف انجام پروژه های اکتشاف و استخراج گاز شود.

گرچه گردانندگان صنایع نفت می کوشند تا حقایق را پنهان دارند، با وجود این کارشناسان نفتی می دانند که در نتیجه جنگ هشت ساله و عدم امکان کارهای تعمیر و حفاظت، میدان نفتی ایران خسارات زیادی دیده و برخی از میدان نفتی از کار افتاده اند و نیاز مبرم به تعمیر دارند.

قبل از انقلاب بهمن ۵۷، ظرفیت تولید نفت در ایران به ۵ تا ۶ میلیون بشکه در روز می رسید. رژیم جمهوری اسلامی برای دستیابی به یک چنین سطح تولیدی، حداقل به ۵ سال وقت و میلیاردها دلار سرمایه نیاز دارد. در نتیجه سرمایه گذاری های پیش گفته، میزان استخراج نفت در سال ۱۹۹۳ به ۴/۵ میلیون بشکه در روز خواهد رسید.

اعلامیه کمیته مرکزی ...

کشانده، و می رود تا استقلال سیاسی و اقتصادی کشور را بیش از پیش قربانی طرح های امپریالیستی «صندوق بین المللی پول» و «بانک جهانی» کند.

این درحالی است که در سطح جهان، اردوگاه سوسیالیسم از هم فروپاشیده، و روند دگرگونسازی در اتحاد شوروی، اکنون با شکست مواجه شده و این کشور با سرعت به سوی استقرار نظام سرمایه داری و سرکوب کمونیست ها به پیش می رود.

فروپاشی سوسیالیسم ذاتاً موجود و تغییر مقطعی تعادل نیروها در سطح جهان به نفع امپریالیسم، به ناامیدی ها، سردرگمی ها، و عقب نشینی های بسیاری در بین سازمان ها و احزاب کارگری و کمونیستی جهان دامن زده، و آنها را با بحران های نظری و تشکیلاتی گوناگون روبرو ساخته است. طبیعتاً حزب ما نیز، از اثرات ناشی از این شکست مصون نمانده است.

بخشی از سردرگمی های موجود، ناشی از نبود پاسخ برای سوالات بی شماری است که در شرایط نوین امروز، در مقابل جنبش قرار دارند. این امری است کاملاً طبیعی، که حل آن نیاز به بررسی علمی گذشته، یافتن ریشه های مشکلات، و اتخاذ تصمیمات صحیح و واقع بینانه برای خروج از بحران کنونی دارد. ما تردیدی نداریم که سازمان ها و احزاب کارگری - از جمله حزب ما - با تکیه بر سرمایه علمی خود، و اندوخته تجربی ناشی از ده ها سال مبارزه در راه راهی زحمتکشان، از عهده این وظیفه مهم تاریخی بخواهند آمد.

اما این شکست و تغییر تعادل نیروها به نفع امپریالیسم، عده ای را به انفعال، عقب نشینی از اصول، و حتی اتخاذ مواضع فرصت طلبانه کشانده است. عده ای با استفاده از شعارهای «نواندیشی» و «نوسازی» - شعارهایی که از همان ابتدا مورد تأیید حزب ما نیز بوده اند - تلاش می کنند که تمام تاریخ و دستاوردهای مبارزاتی جنبش، از جمله تمامی دستاوردهای پنجاه ساله حزب توده ای ما را زیر سؤال ببرند. این افراد سعی میکنند با استفاده از مقوله منافع همه بشری، اصل مبارزه طبقاتی را نفی کنند.

درعین حال این واقعیت را نیز فراموش نمی کنیم که امروز، تغییر تعادل نیروها در سطح جهان به گستاخی هرچه بیشتر نیروهای امپریالیستی، به ویژه دولت آمریکا، منتهی شده است. آمریکا و متحدانش اکنون تلاش می ورزند تا با بهره برداری از خلأ ناشی از فروپاشی سوسیالیسم، سلطه نظامی، اقتصادی و سیاسی

خود را بیش از هر زمان دیگر به کشورهای جهان سوم تحمیل کنند. تعرض گسترده نظامی آمریکا در خاورمیانه و کشتار بیرحمانه مردم عراق، با استناد از پوشش سازمان ملل، نمونه ای از اقدامات نظامی دخالت جویانه ای است که به ویژه مردم جهان سوم، باید در آینده نزدیک در انتظار آن باشند.

دنایای غربی که خرد با بحران اقتصادی روبرو است، تلاش خواهد کرد بخشی از بحران موجود در کشورها سرمایه داری پیشرفته را با تشدید استثمار کشورهای جهان سوم، به این کشورها صادر کند. خطر سلطه فزاینده سرمایه انحصاری بین المللی بر کشورهای جهان سوم، نه تنها سطح زندگی زحمتکشان، بلکه موقعیت اقتصادی قشرهای غیر وابسته بورژوازی سنتی و ملی این کشورها را نیز بیش از پیش تهدید می کند. تجربه تاریخی نشان داده است که سلطه سرمایه خارجی در کشورهایی چون کشور ما، همواره با ورشکستگی و سرکوب بورژوازی ملی - صنعتی، توقف رشد نیروهای مولده، و واپس ماندگی اقتصادی همراه بوده است. در کشور ما، این واپس ماندگی اقتصادی به ارث مانده از رژیم گذشته، در طول مدت حاکمیت رژیم «ولایت ققیه»، بیش از پیش تشدید شده و ابعاد فاجعه آمیز به خود گرفته است. در هیچ زمانی از تاریخ معاصر ایران، فقر و تنگدستی و بی خانمانی اکثریت مردم چنین گسترش نداشته و شکاف طبقاتی بین فقر و ثروت تا بدین حد عمیق نبوده است.

رژیم «ولایت ققیه» با قبضه انحصاری قدرت، تعطیل آزادی ها و غیرقانونی کردن احزاب و سازمان های سیاسی نماینده اقشار و طبقات گوناگون جامعه، امکان هرگونه بهره گیری از نیروی خلاق و توان سازنده توده های مردم، و شرکت مستقیم آنها در طرح ریزی مسیر آینده پیشرفت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشور را مسدود کرده است. متأسفانه، تا کنون تفرقه ناشی از تنگ نظری های گروهی در بین نیروهای اپوزیسیون به تطویل عمر رژیم پاری رسانده است.

حزب توده ایران معتقد است که همه نیروهای سیاسی ملی و مردمی باید از نتایج فاجعه بار این تنگ نظری ها درس های تاریخی لازم را بگیرند و از تکرار این اشتباه خودداری کنند. در پایان بخشیدن به واپس ماندگی فاجعه آمیز کنونی و جلوگیری از وابستگی روزافزون اقتصادی و سیاسی کشور در آینده، تمام نیروهای ملی و مردمی ایران - از کارگران و دهقانان و پیشه وران و کارمندان و روشنفکران گرفته تا مدیران و صاحبان صنایع داخلی و واحدهای تولیدی ملی - منافع مشترک

دارند. تنها راه برون رفت از بحران موجود، اتحاد همه این نیروها برای سید رژیم «ولایت ققیه» و استقرار یک حکومت دموکراتیک، برخاسته از مردم و با شرکت وسیع همه مردم است. ماهیت سرکوبگر رژیم ولایت ققیه در طول یک دهه اخیر نشان داده است که بدون وجود یک چنین اتحاد عملی، راه دستیابی به آزادی، پیشرفت، صلح و عدالت اجتماعی برای مردم ایران، همچنان مسدود باقی خواهد ماند. حزب توده ایران در تمام طول حیات پنجاه ساله خود همواره بر ضرورت اتحاد نیروهای مردمی در ایران تأکید ورزیده است. این ضرورت، اکنون که امپریالیسم بیش از هر زمان دیگر خود را بلامعارض می بیند و به صورت افسارگسیخته به دخالت در امور کشورهای جهان سوم پرداخته است، بیش از پیش احساس می شود.

در سالگرد پنجاه سالگی حزب توده ایران، ما بار دیگر بر ضرورت این اتحاد گسترده تأکید می ورزیم و تلاش می کنیم تا به این خواست همیشگی مردم ایران، که اکنون به شعار اکثریت قریب به اتفاق نیروهای میهن دوست کشور مبدل شده است، جامه عمل پوشانده شود. ما به نوبه خود، هر گامی در این جهت را مثبت ارزیابی می کنیم و آمادگی خود را برای شرکت در آن اعلام می داریم.

کمیته مرکزی حزب توده ایران پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب را به یکایک اعضا و هواداران حزب صمیمانه تبریک می گوید. حزب توده ایران، تداوم مبارزه پیروزمند و افتخار آمیز خود را بیش از هر چیز مدیون ایثار، فداکاری، از خودگذشتگی و از جان گذشتگی هزاران توده ای قهرمانی می داند که در دشوارترین شرایط مبارزه، از بذل هیچ چیز، حتی جان خود، در راه برافراشته نگاه داشتن پرچم مبارزه مردم و زحمتکشان ایران دریغ نکردند.

تردیدی نداریم که در شرایط دشوار جهان امروز نیز، رقای ما سنت پرافتخار ارانی ها، سیامک ها، روزبه ها و مهرگان ها را پاس خواهند داشت، و در صفوف فشرده، برای حفظ انسجام تشکیلاتی و تداوم موجودیت انقلابی حزب خود، مبارزه خواهند کرد. ایمان داریم که با برگزاری موفقیت آمیز کنکره سوم حزب توده ایران، مشکلات کنونی را با یاری یکدیگر پشت سر خواهیم گذاشت، و راه را برای دستیابی به آینده ای روشن و سرشار از پیروزی های بزرگ برای زحمتکشان کشورمان، خواهیم گشود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۹ مهر ماه ۱۳۷۰

درخواست کوبا از سازمان ملل برای پایان محاصره اقتصادی

چند روز پس از این درخواست کوبا از سازمان ملل، وزارت خارجه آمریکا طی بیانیه ای اعلام کرد که سازمان ملل حق بحث روی این مسئله را ندارد. در این «بیانیه شاهانه» گفته شده، تنها دولت آمریکا می تواند تصمیم بگیرد که با کدام دولتها روابط سیاسی و اقتصادی داشته باشد.

مجوز قانونی دولت آمریکا برای محاصره اقتصادی کوبا «قانون منع تجارت با دشمن» است که در سال ۱۹۱۷ به تصویب رسیده است. طبق این قانون دولت آمریکا حق دارد متخلفین را به ۱۲ سال زندان و پرداخت ۲۵۰ هزار دلار جریمه محکوم سازد.

یک سخنگوی وزارت دارایی آمریکا چندی پیش اعلام کرد که یکی از اتباع ایالت تگزاس به خاطر ترتیب دادن یک سفر ماهیگیری به کوبا، به ۹۰ روز زندان و پرداخت ۵۰۰۰ دلار جریمه محکوم شده است.

به پیروی از این سیاست وادارد و بدین طریق مقررات داخلی آمریکا را در خارج از مرزهای این کشور نیز اعمال کند. این چیزی جز پایمال کردن حق استقلال دولت های دیگر نیست.» در یادداشت دولت کوبا تأکید شده است که «این محاصره اقتصادی، منع فروش مواد غذایی، دارو و لوازم پزشکی مورد نیاز کوبا را نیز در بر می گیرد....»

بر اساس این یادداشت، در حالیکه «دولت آمریکا ظاهراً به تنهایی دست به محاصره اقتصادی کوبا زده است... اما با استفاده از نیروی اقتصادی خود و تلاش در جهت گسترش این سیاست در سطح جهان، عملاً استقلال و رشد کوبا را به مخاطره انداخته است....»

در روز ۱۹ اوت سال جاری، دولت کوبا طبق یادداشتی خطاب به رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، خواهان رسیدگی آن مجمع به مسئله محاصره اقتصادی کوبا از سوی آمریکا و تلاش برای پایان بخشیدن به آن شد. در این یادداشت که توسط ریکاردو آلارکن، نماینده آن کشور در سازمان ملل به رئیس مجمع عمومی تقدیم شد، گفته می شود که محاصره اقتصادی، مالی و تجارتي، که بخش مهمی از سیاست تعرض جویانه آمریکا نسبت به کوبا را تشکیل می دهد، «این روزها بیش از پیش شدت و گسترش یافته است.»

در این یادداشت گفته می شود که دولت آمریکا «سعی کرده است که دولت های دیگر را

تشدید بحران اقتصادی و بیکاری در کشورهای سرمایه داری

انگلستان:

طبق آمار رسمی اخیر در انگلستان، در نیمه اول سال ۱۹۹۱، به طور متوسط هر روز ۲۰۰ خانواده به دلیل عدم توانایی پرداخت اجاره، از خانه های خود اخراج شده اند. علت اصلی این روند، رکود فزاینده اقتصادی در این کشور و افزایش بیکاری به رقم بی سابقه ۲/۷ میلیون نفر بوده است. میزان بیکاری از بحران بزرگ سال های ۱۹۳۰ تا کنون به این حد نرسیده بود.

طبق گفته مقامات «کنگره اتحادیه های بریتانیا»، ارقام رسمی، تعداد واقعی بیکاران در انگلستان را حدود ۳۶۰ هزار نفر کمتر از رقم واقعی نشان می دهند.

خانواده هایی که به خاطر عدم توانایی در پرداخت اجاره از خانه های خود اخراج شده اند، اکنون از هرگونه کمک دولتی محروم اند و اغلب آنها دست کمک به دیگر شهروندان دراز کرده اند. با نزدیک شدن زمستان، به نظر می رسد که وضع آنها، و هزاران خانواده دیگر که تا آن زمان مسکن خود را از دست خواهند داد، بسیار دشوار خواهد بود.

فرانسه:

بیکاری در فرانسه نیز به بالاترین حد خود از زمان جنگ جهانی دوم رسیده است. گزارشات رسمی دولتی حاکی از این است که بیکاری در این کشور به اوج بی سابقه ۲/۷۲ میلیون نفر،

که دولت استرالیا با اختصاص دادن بودجه ۵۰۰ میلیون دلاری برای مبارزه با رشد بیکاری در این کشور مخالفت کرده است.

آفریقای جنوبی:

طبق گزارش بانک مرکزی آفریقای جنوبی، وضع اقتصادی این کشور رو به بدی می رود. بانک مرکزی در این گزارش نگرانی «جدی» خود را از افزایش روزافزون بیکاری و عدم توانایی دولت در ایجاد اشتغال در کشور، ابراز نمود.

طبق گزارش بانک مرکزی، درآمد ناخالص ملی آفریقای جنوبی در عرض ۶ ماه اول سال ۱۹۹۱، ۲/۵ درصد کاهش داشته است. این سومین سال متوالی است که درآمد ناخالص ملی آفریقای جنوبی تنزل می کند. در سال های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ نیز درآمد ناخالص ملی این کشور تنزلی معادل ۴ درصد در سال داشته است.

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است

یا ۹/۴ درصد، رسیده است. در سال گذشته نرخ بیکاری در این کشور ۸/۸ درصد بود.

به گفته «اومانیتیه»، ارگان حزب کمونیست فرانسه، دولت فرانسه در تهیه این ارقام تقلب کرده و رقم بیکاری را ۶۰۰ هزار نفر کمتر از آنچه که هست، اعلام کرده است. «اومانیتیه» دولت فرانسه را متهم کرد که درچنین شرایطی قصد دارد در بودجه سال ۱۹۹۲، تأمین های اجتماعی را به حداقل برساند و کمک های دولتی به بیکاران را کاهش دهد. این روزنامه ضمن مسخره خواندن این سیاست دولت فرانسه، نوشت که نمی توان از طریق کاهش دستمزدها و کوچک کردن نیروی کار در کشور، به هدف «تقویت فرانک» دست یافت.

استرالیا:

شورای اتحادیه های کارگری استرالیا، اخیراً دولت این کشور را بخاطر دست روی دست گذاشتن در مقابل رشد بیکاری به شدت مورد انتقاد قرار داد. در سال ۱۹۹۰، نرخ بیکاری در استرالیا به ۸/۴ درصد رسید که در سال های اخیر بی سابقه بوده است. پیش بینی می شود که نرخ بیکاری در سال ۱۹۹۲ از ۱۰/۵ درصد نیز بالاتر برود. گفته می شود

NAMEH MARDOM

NO : 359

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

October 1, 1991

ADDRESSES

1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden

2- Postfach 10644 1000 Berlin 10

نامه مردم

بها: ۲۰ ریال